

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

شترت

روزنامه

پنجشنبه ۱۸ بهمن ۱۴۰۳ • ۷ شعبان ۱۴۴۶ • ۶ فوریه ۲۰۲۵ • سال بیست‌ویکم • شماره ۵۰۴۴ • ۱۲ صفحه • اذان ظهرتهران ۱۲:۱۸ • اذان مغرب ۱۷:۵۶ • اذان صبح فردا ۵:۳۴ • طلوع آفتاب ۶:۵۹



فاز نخست آزاد راه تبریز - مرند، حد فاصل تبریز - صوفیان، صبح سه‌شنبه ۱۶ بهمن ۱۴۰۳، با حضور رئیس‌جمهور به صورت ویدئوکنفرانسی به بهره‌برداری رسید. این طرح ۲۴ کیلومتر طول دارد و برای بهره‌برداری از آن حدود سه هزار همت هزینه شده است. عکس: مینا نوعی، مهر

www.sharghdaily.com
apararat:tasvirshargh
Telegram:SharghDaily
youtube:sharghdaily
twitter:sharghdaily
instagram:sharghdaily1

نقدی بر انتقادات مضمون‌گرا

چرا «بازی خونی» از فیلم «شمال تاجنوب غربی» فیلم باکیفیت‌تری است؟

شاخص آمریکایی و در روایت‌های جاسوسی، جزئیات تاریخی به صورت درج متنی و سکانس به سکانس ارائه می‌شود؟ آیا در فیلم «سی دقیقه پس از نیمه‌شب» (کاترین بیگلو) جزئیات رسانه‌ای درباره تاریخچه القاعده و برلاندن به صورت تفصیلی ارائه شده است؟

روایت‌های پلیسی و معمایی با زمینه‌های تقابل و چالش‌های سیاسی دهه ۶۰ دارای یک وحدت رویه است. اگر اثری پیش‌ازاین با چنین محتوایی ساخته شده باشد، اثر بعدی را نمی‌توان با دستاویز شباهت به چالش کشید. فیلم افتتاحیه مقبولی دارد و جغرافیای خیر و جغرافیای شر را با جزئیات داستانی و با اتکا به خرده‌روایت‌های متعدد معرفی می‌کند. چندانای شدن روایت، پیچیدگی‌هایی را خلق می‌کند که از زاویه تکنیک فیلم‌نامه‌نویسی، این تریلر نئونوار را هیجان‌انگیز می‌کند. «بازی خونی» بیشتر به ژانر تریلر نزدیک است تا نئونوار. اگرچه این فیلم ممکن است عناصری از نئونوار را داشته باشد، ساختار و روایت آن به‌وضوح به ویژگی‌های تریلر وابسته است. تریلرها معمولاً براساس تنش و هیجان داستانی شکل می‌گیرند و در «بازی خونی»، این عناصر به‌خوبی مشهود هستند. درحالی‌که نئونوار به بررسی جنبه‌های تاریک و پیچیده شخصیت‌ها و روابط انسانی می‌پردازد، «بازی خونی» با تمرکز بر تعلیق و کشمکش‌های خارجی، بیشتر در محدوده تریلر قرار می‌گیرد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت این فیلم با تأکید بر عناصر هیجان‌انگیز و داستانی، به ژانر تریلر نزدیک‌تر است. تعالی کارگردان در سکانس‌های پایانی و تقابل ازلی خیر و شر با اجرای بسیار تأمل‌برانگیز دارد؛ اجرائی که مزیت ویژه خاص آن، از همتای مضمونی‌اش «شمال از جنوب غربی» است.

جنوب غربی» اثر باکیفیت‌تری است. فیلم‌های زرگزرازد عمدتاً بر مدار ایدئولوژیک حرکت می‌کنند و نگره‌های یادشده و جبر تاریخی-سیاسی مد نظر سفارش‌دهنده، مبنای ساخت اثر است و عملاً سرگرمی و جذابیت عامه‌پسندانه سینمایی نادیده گرفته می‌شود. درحالی‌که «بازی خونی» با ساختاری عامه‌پسندانه، از برجسته‌کردن گزاره‌های سیاسی القایی پرهیز می‌کند و روایتش را در بخش طرح و توطئه با الگوبرداری از سینمای نوار، در متن یک تریلر توسعه می‌دهد. «بازی خونی» به‌سادگی تصاویر سینمایی‌تری خلق می‌کند و شخصیت‌های اصلی‌اش را مقابل دوربین اسیر نمی‌کند، بلکه روایت‌محوری را جایگزین کاراکترمحوری می‌کند تا سینمایی‌تر باشد. از نظر بصری، قاب‌های فیلم‌ترین شده‌اند اما کارت‌پستالی نیستند. فم‌قتالی که در فیلم با گرم و بازی متفاوت سارا حاتمی در نقش مینا ارائه می‌شود، برگ برنده فیلم است. یک بازی متفاوت با گرمی خاص می‌تواند شکالکه یک اثر را تحت‌الشعاع قرار دهد. بخش اعظمی از انتقاداتی که درباره فیلم مطرح شده، به نوعی مضمون‌گرایی دچار است و در بررسی‌های تطبیقی، کم و کاستی‌های تاریخی فیلم جست‌وجو می‌شود؛ درحالی‌که فرض «بازی خونی» روایت است تا تاریخ، در تقابل دو روایت‌عمومی‌ها، موضوع تشابه فیلم به «ماجرای نیمروز» مطرح می‌شود، درحالی‌که اثر یادشده دارای پیچیدگی‌های «بازی خونی» نیست. از طرفی، «ماجرای نیمروز» در ارائه اطلاعات تاریخی، حساسیت بیشتری به خرج می‌دهد و طرح و توطئه داستانی در زیرمتن روایت قرار می‌گیرد. در یک نگاه کلی، نقدهای مضمون‌گرا می‌توانند آفت سینمای ایران باشند. این نکات ازاین‌رو مطرح می‌شود که اشاره‌ای به ضرورت دوری از نقدهای مضمون‌گرا باشد. آیا در نمونه‌های

«بازی پیرولی»؛ «بازی خونی»؛ یکی از فیلم‌های بحث‌برانگیز جشنواره امسال، با واکنش‌های مختلفی مواجه شده است. یکی از انتقادات مطرح‌شده در گزارش‌های مختلف، شباهت مضمونی این فیلم با اثر دیگری به نام «شمال از جنوب غربی» (حمید زرگزرازد) است. فیلم‌در این انتقادات به فیلم «ماهی سیاه کوچولو» (محصول سال ۱۳۹۴) نیز اشاره شده است. طرح چنین موضوعاتی، یعنی همسانی مضمونی، چالشی جدی برای سینمای محدود ایران نیست. این مسئله را می‌توان با طرح یک پرسش تبیین کرد: آیا در سینمای آمریکا فقط یک فیلم درباره حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر ساخته شده است؟ در تطبیق جریان‌شناسی سینما، این‌گونه صورت‌مسئله‌ها نمی‌تواند مبنای صحیحی برای قضاوت باشد. به عنوان نمونه، در سینمای اجتماعی سال‌های اخیر، فیلم‌های متعددی درباره آسیب‌شناسی موضوع «رحم اجاره‌ای» ساخته شده است. آیا ساخته‌شدن دو فیلم با مضمون مشابه می‌تواند پاشنه‌آشیل سینما قلمداد شود؟ آن‌هم سینمایی که با محدودیت‌های فراوانی در توسعه ژانر مواجه است؟ درباره موضوع اعتیاد، فیلم‌های «ستوری» و «خون‌بازی» (رخشان بنی‌اعتماد) در بیست‌وینجمین جشنواره فیلم فجر رونمایی شدند. هر دو فیلم با محوریت آسیب‌شناسی اعتیاد ساخته شده‌اند و بهرام رادان در نقش علی ستوری و باران کوثری در نقش سارا در فیلمی مشابه، موفق به دریافت سیمرغ بلورین شدند. حال این موضوع مطرح می‌شود که دو فیلم با مضامین مشابه در جشنواره حضور دارند و این می‌تواند زمینه قیاس دو اثر را تشدید کند و جدال روابط‌عمومی‌ها را داغ کند. درحالی‌که منهای نبرد یادشده، در یک تحلیل مستقل می‌توان ادعان کرد «بازی خونی» از منظر اجرائی و محتوایی نسبت به «شمال از

یادداشت

تخصصی کردن آموزش

و حرفه‌ای کردن معلمان



حجت‌اله‌طالبیان بروجنی

مستمر کار خودشان به وجود می‌آید.

عوامل زیادی مانند

دانش‌آموزان، اولیا، مدیران،

ساختار مدرسه و عوامل متعدد

دیگر موجب حفظ رویکرد

فعلی در نحوه آموزش بیشتر

معلمان شده و جلوی تغییر آن را گرفته است. فقط

معلمان نیستند که در اصلاح فرایندهای آموزشی

مسئولیت دارند و آنها به‌تنهایی قادر به اصلاح

آن نیستند. بر این اساس، پیش و فرایندهایی که

معلمان قادر به اصلاح آن نیستند، در بهترین شرایط

تعمیل و در بدترین شرایط تخریب نتایج برنامه‌های

اصلاحی است. بنابراین مسئله اصلی و واقعی به

آموزش، اصلاح نحوه آموزش و فقدان منابع قابل

حصول برای کمک به معلمان مربوط می‌شود و نه

به خود معلمان. در فرایندهای اصلاحی، معلمان

باید در قلب راه‌حل‌ها قرار بگیرند. آنها نه‌تنها همه

تلاش‌های بهبود آموزش را کنترل و هدایت می‌کنند،

بلکه بهترین موقعیت را برای کسب دانش مورد

نیاز دارند. بالاخره تنها کسانی که می‌توانند موجب

بهبود آموزش شوند، معلمان هستند و طرح‌هایی

که این حقیقت اساسی را در نظر نگیرند، نمی‌توانند

موقعیت‌آمیز باشند.

باین‌حال حل بهبود مسئله آموزش مستلزم

تغییر کانون توجه از شکست‌ها و موقعیت‌ها از

معلمان به «آموزش» است. به‌جای نگران‌بودن

درباره متخصص‌کردن معلمان، باید فکر کنیم برای

تخصصی‌کردن «آموزش» چه چیزی نیاز است و

مطمئن‌با تخصصی‌کردن آموزش، معلمان هم

متخصص می‌شوند.

در نهایت شاید طعنه‌آمیز باشد اگر بگوییم

«موقعیت حرفه‌ای، فقط زمانی برای معلمان

حاصل می‌شود که دست‌اندرکاران اصلاح فرایندها

و برنامه‌ها، تمرکز خود را از معلمان به آموزش

تغییر دهند.»

اگر معلمان برای عملی‌کردن علاقه خود به

بهبود آموزش روشنی داشته باشند، اگر آنها بتوانند

به افزایش یادگیری دانش‌آموزان در بلندمدت توجه

کنند و اصلاحاتی را که در فعالیت‌های استاندارد

لازم است، رشد دهند، آموزش در مسیر تبدیل‌شدن

به یک تخصص واقعی قرار خواهد گرفت.

اگر «آموزش» یک تخصص باشد، معلمان

مدارج تخصصی را از طریق اشتغال در این حرفه به

دست خواهند آورد.

اتفاق‌خوانی

مجسمه‌های پارک دانشجو دزدیده شد؟

ایستنا: اگر تاکنون گذرتان به پارک دانشجو افتاده باشد، احتمالاً مجسمه‌های چند پسرچپه در حوض این پارک توجه‌تان را جلب کرده است. در چند روز اخیر این مجسمه‌ها به طور ناگهانی ناپدید شده‌اند و تا امروز هم توضیحی رسمی در این زمینه از سوی متولیان امر داده نشده است. ناپدیدشدن ناگهانی مجسمه‌های تهران، سابقه‌ای طولانی دارد و اگر نگاهی به تاریخچه آن داشته باشیم، متوجه می‌شویم که فقط در خود محدوده تئاتر شهر، چند مجسمه غیب شده‌اند یا بخشی از آنها به سرقت رفته است. مجسمه‌ای که اخیراً کم شده، یک کار سنگی از هنرمندی ایتالیایی و متعلق به اولین سمپوزیوم مجسمه‌سازی تهران پیش از انقلاب است. خبرنگار ایسنا در پی ناپدیدشدن این مجسمه‌ها، تماسی داشت با سازمان زیباسازی شهر تهران تا علت را جویا شود. گفته شد این مجسمه توسط شهرداری منطقه از محل خود جابه‌جا شده و بعداً دوباره به محل جامنایی خود بازگردانده می‌شود.
باین‌حال، این‌گونه عنوان شده که سازمان زیباسازی شهر تهران نقشی در این تصمیم‌گیری نداشته و فعلاً هم در پی نامه‌نگاری با شهرداری منطقه ۱۱، علت امر را جویا شده و پاسخی دریافت نکرده است. خبرنگار ایسنا تماسی هم با شهرداری منطقه ۱۱ برقرار کرد که آنها هم از این امر اظهار بی‌اطلاعی کردند و گفتند احتمالاً مسئول امر، زیباسازی منطقه ۱۱ است. در همین راستا، تماسی با زیباسازی منطقه ۱۱ داشتیم، اما آنها هم اظهار بی‌اطلاعی کرده و گفتند باید جرایب ماجرا را از فضای سبز منطقه ۱۱ جویا شویم. فضای سبز منطقه ۱۱ هم همان پاسخ را داد و گفت مسئول ماجرا، شهرداری ناحیه یک منطقه ۱۱ است که در نهایت در تماس با آنها نیز موفق به رسیدن به پاسخی قانع‌کننده نشدیم. اکنون دقیقاً مشخص نیست این ماجرا چرا و به چه علت رخ داده است و فرد یا سازمان خاصی هم تا لحظه انتشار این گزارش، مسئولیت امر را بر عهده نکرفته است.
باید منتظر ماند و دید آیا شهرداری یا سازمان زیباسازی تهران پاسخ‌گوی علت امر خواهند بود یا سرنوشت این مجسمه هم مانند بسیاری دیگر از مجسمه‌های تهران خواهد شد که یک‌باره غیب شدند. کسی مسئولیت کار را قبول نکرد و در نهایت هم مجسمه‌ها پیدا نشدند.

هیچ راهی دور نیست، اگر حامی باشیم...

تامین سرویس برای

۱۲۵۵ دانش‌آموز دختر بازمانده از تحصیل

حمایت از هر دانش‌آموز دختر، سالیانه ۲ میلیون تومان



شماره کارت بانک پاسارگاد: ۵۰۲۲-۲۹۱۹-۰۰۰۴-۶۵۹۸
شماره حساب: ۲۶۸-۸۱۰۰-۱۱۶۲۸۴۵۴-۱
شماره شب: ۰۱-۴۰۴۱-۱۶۲۸-۸۱۰۱-۰۵۷۰-۱۲۳۳
انجمن حامی حمایت از توسعه فضاهای آموزشی و فرهنگی

www.Hamiassociation.org

@Hami_association

۰۲۱-۸۸۸۴۳۸۹۷

www.sharghdaily.com
apararat:tasvirshargh
Telegram:SharghDaily
youtube:sharghdaily
twitter:sharghdaily
instagram:sharghdaily1